

Self-Actualization and Ideal Self in the Novel "The Fig Tree of Temples" from Horney's Perspective

Azar Akbarzadeh Ebrahimi  *

Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran

Fatemeh Kouppa 

Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran

Narges

Mohammadi Badr 

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran

Pedram Mirzaei 

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran

Abstract

Psychological critique of personality is one of the new researches in the field of storytelling. Ahmad Mahmood (1310-1381) in the novel "The Fig Tree of Temples" by addressing new writing styles including 1-Anti-heroic description 2- Difference in characterization 3- Flow of mind-body 4- Uncertainty 5-Smooth Reality and imagination, and the description of the person's minds, has produced different effects and approached psychoanalytic novels. One of the new psychoanalytic theories for describing personality is Karen Horney's theory. He is one of the post-war psychoanalysts who emphasized the role of the community in influencing people's behavior by introducing the theory of "triple personality types" and "self-ideal", such as Adler. The analysis of the behavior of the characters of "The Fig Tree of Temples", which is influenced by the community, and is subject to anxiety and internal stress, can be adapted to Horney's theory. Hence, in this article, after discussing various aspects of Horney's theory, the author explores the "current, real, and self-ideal triple virtues" component in one of the novel characters, "Faramarz", who played the most important role in the events of the story. Following the confrontation with the "present self", the mentioned character has suffered a fundamental conflict with destructive factors such as contempt, neglect, violence, and impunity, and is in ideological captivity of the ideal self and its consequences: i.e. nervous expectations, pride and nervous needs and his anxiety, anger, and depression increase more and more.


Keywords: Self-Ideal, Superiority, Karen Horney, Ahmadmahamood, Fig Tree of Temples.


The present paper is adapted from a Ph.D. thesis on Persian Language and Literature, Payam Noor Postgraduate Education Center in Tehran.


* Corresponding Author: azar.akbarzade@yahoo.com


How to Cite: Akbarzadeh Ebrahimi, A., Kouppa, F., Mohammadi, N., Mirzaei, P. (2023). Self-Actualization and Ideal Self in the Novel "The Fig Tree of Temples" from Horney's Perspective. *Literary Text Research*, 27(95), 241-264. doi: 10.22054/LTR.2020.42352.2691

تحلیل روان‌شناختی «خود فعلی و ایده‌آلی» در رمان «درخت انجیر معابد» احمد محمود از منظر کارن هورنای

آذر اکبرزاده ابراهیمی *  دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

فاطمه کوپا  استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

نرگس محمدی بدر  دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پدرام میرزایی  دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

نقد روان‌شناختی شخصیت از جمله پژوهش‌های جدید در حوزه داستان‌نویسی است. احمد محمود (اعطا) (۱۳۸۱-۱۳۱۰ ه.ش) در رمان «درخت انجیر معابد» با پرداختن به شیوه‌های جدید داستان‌نویسی از جمله: ۱- توصیف ضد قهرمان ۲- تفاوت در شخصیت‌پردازی ۳- جریان سیال ذهن ۴- عدم قطعیت ۵- درهم‌آمیزی واقعیت و خیال و توصیف ذهنیات اشخاص، اثری متفاوت ایجاد کرده و به رمان‌های روانکاوانه نزدیک شده است. یکی از نظریات جدید روانکاوانه در تبیین شخصیت، نظریه کارن هورنای است. وی از جمله روانکاوان پسا فرویدی است که با مطرح کردن نظریه «تیپ‌های شخصیتی سه‌گانه» و «خود ایده‌آلی»، همچون آدلر به نقش موثر اجتماع بر رفتار افراد تأکید ورزید. واکاوی رفتار شخصیت‌های رمان درخت انجیر معابد که تحت تأثیر اجتماع، دچار اضطراب و تنش‌های درونی می‌شوند قابلیت تطبیق با نظریه هورنای را دارد. از این‌رو نگارنده در این مقاله پس از پرداختن به جنبه‌های گوناگون نظریه هورنای، به بررسی مؤلفه «خودهای سه‌گانه فعلی، واقعی و خود ایده‌آلی» در یکی از شخصیت‌های اصلی رمان یعنی «فرامرز» که بیشترین نقش را در حوادث داستان داشته، پرداخته است. شخصیت یادشده پس از مواجه شدن با «خود فعلی»، با عوامل مخرب همچون تحقیر، بی‌اعتنایی، خشونت و اجحاف، دچار تضاد اساسی شده است و در اسارت خود ایده‌آلی و تبعات آن: یعنی توقعات عصبی، غرور و بایدهای عصبی قرار می‌گیرد و بیش از پیش بر اضطراب، خشم و افسردگی وی افزوده می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: خود ایده‌آلی، برتری طلبی، کارن هورنای، احمد محمود، درخت انجیر معابد.

این پژوهش برگرفته از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مرکز تحصیلات تکمیلی پیام نور تهران است.
* نویسنده مسئول: azar.akbarzade@yahoo.com

مقدمه

از میان تعداد بی‌شمار روان‌پزشکان و روان‌شناسانی که متأثر از مکتب تحلیل روانی فروید و مهم‌ترین همکارش، کارل گوستاو یونگ بودند، تنها عدّه معدودی به نوآوری‌هایی مهم دست زدند. آن عدّه که باعث تغییرهای اساسی در نظریه‌های روان‌پویایی فروید و یونگ شدند، پیروان مکتب روان‌شناسی اجتماعی بودند. این افراد تحت تأثیر علوم اجتماعی جدید و به‌ویژه مردم‌شناسی به این نتیجه رسیدند که انسان محصول اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند؛ یعنی شخصیت انسان بیشتر از عوامل بیولوژیک، به‌وسیله عوامل و نیروهای اجتماعی شکل می‌گیرد، در صورتی که فروید و یونگ بیشتر به عوامل بیولوژیک اهمیت می‌دادند. آلفرد آدلر، کارن هورنی، اریک فروم و هری استک سالیوان از جمله کسانی بودند که سعی کردند از مفاهیم فیزیولوژیک و فیزیک قرن نوزدهم - که در نظریات فروید تأثیر بسزایی داشتند - فاصله بگیرند و مفاهیم جدید روان‌شناسی اجتماعی را در روان‌کاوی وارد سازند. مهم‌ترین خدمت اینان از جمله هورنای تأکید بر تأثیر شرایط اجتماعی در رشد شخصیت است. او معتقد بود شخصیت ما هم بازتاب فرهنگی است که در آن زندگی می‌کنیم و هم روابط خانوادگی شخصی (لاندین، ۱۳۷۸: ۲۹۸).

رمان «درخت انجیر معابد» داستانی به سبک رئال اجتماعی است که ضمن بیان ویژگی‌های درونی شخصیت‌ها، به سمت مضامین سورئال نیز کشیده شده است. احمد محمود در این رمان با پرداخت مناسب شخصیت علاوه بر نقل داستان به بیان درونیات افراد نیز توجه داشته است. «احمد محمود از نویسندگان واقع‌گرای نسل دوم ایران است که شاخصه‌هایی همچون بومی‌نویسی و لحن عامیانه، زبان ساده و پرتحرک، مطابقت زبان با جهان داستانی، تحول و بسط زبان روایی، ایجاز بر محور زیبایی‌شناسی، مهارت در شخصیت‌پردازی و پرداختن به مسائل اجتماعی و سیاسی در طرح داستان از وجوه برجسته نویسندگی او به شمار می‌آید» (کوپا و توکلی، ۱۳۹۴: ۵).

۱. بیان مسئله و سؤالات پژوهش

در این پژوهش، رمان «درخت انجیر معابد» مورد بازخوانی قرار گرفته و ساختارهای

مختلف احساسی و منطقی آن بیان شده است. بیان اضطراب‌ها و راهکارهای مقابله با اضطراب‌ها در شخصیت اصلی داستان از مهم‌ترین مضامین به کاررفته در این اثر است. این مقاله به بررسی تأثیر روانی اضطراب‌های فردی و اجتماعی بر «فرامرز» شخصیت اصلی رمان پرداخته است. بدین ترتیب، نگارنده در پی آن است که با تحلیل روان‌شناختی این اثر بر اساس نظریه هورنای، به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱- شخصیت اصلی داستان مواجه با چه نوع اضطراب‌هایی است؟

۲- از منظر هورنای، شخصیت اصلی داستان، برای فرار از اضطراب، از کدام شیوه‌ها بهره می‌گیرد؟

۳- نشانه‌های «خود فعلی» و «خود ایده‌آلی» در شخصیت داستان چیست؟

از میان تاکتیک‌های سه‌گانه نظریه هورنای، وی با برتری‌طلبی، قصد مقابله با اضطراب‌های درونی را دارد و با انتخاب روش دفاعی «خود ایده‌آلی» و درگیر شدن با غرورها و بایدهای عصبی هر چه بیشتر از «خود واقعی» فاصله می‌گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

در معرفی آثار داستانی احمد محمود به‌ویژه رمان درخت انجیر معابد تاکنون کتاب‌ها و مقالات فراوانی منتشر شده است که اغلب به بررسی تطبیقی این اثر با آثار مشابه و یا جنبه فراواقعی رمان پرداخته‌اند؛ از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- پایان نامه‌ها

رحمانی، فاطمه (۱۳۸۹)؛ در پایان‌نامه‌ای با عنوان «نقد ساختارگرایی رمان درخت انجیر معابد» از نظریه ژرار ژنت استفاده نموده است. در این اثر پس از بیان عناصر داستانی به بررسی آن در رمان و سه مبحث نظم، تداوم و بسامد که مربوط به زمان روایت است، پرداخته شده است. نوروزی، زینب (۱۳۹۳) «بررسی تطبیقی جلوه‌های ادبیات شگرف در دو رمان درخت انجیر معابد و کوایس بیروت» با مقایسه دو رمان، نشانه‌های شگرف بودن ادبیات این دو اثر را بررسی نموده و با بیان عناصری همچون کانونی‌شدگی، تقابل، شک و

تردید و ترس به این نشانه‌ها اشاره کرده است.

ب- مقاله‌ها

مرتضی قاسمی (۱۳۹۱) در «تحلیل رؤیا در رمان درخت انجیر معابد» ضمن بیان رؤیاهای مطرح شده در این رمان، به زبان نویسنده و با کمک روش فروید در تفسیر خواب و بر اساس ساختگرایی تکوینی به تحلیل رؤیا می‌پردازد.

در زمینه روایت شناسی، فاطمه کوپا و صفیه توکلی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ساختاری زمان در رمان درخت انجیر معابد با تأکید بر نظریه روایت‌شناسانه ژنت» (۱۳۹۶) ضمن پرداختن به مؤلفه‌های روایت در این اثر، سعی نموده‌اند عنصر زمان را بررسی نمایند. درباره تحلیل روان‌شناختی این رمان تاکنون اثر جامعی منتشر نشده است بنابراین پژوهش حاضر در زمینه واکاوی رفتار شخصیت‌ها و نشانه‌های حقارت و سازوکار جبران این حقارت، نو و بدیع است.

۳. مبانی نظری

۳-۱. نقد روانکاوی

نقد‌های پیشین بیشتر جنبه تاریخی، زیبایی‌شناختی و یا اخلاقی داشته و آن نقدی که امروزه می‌تواند جوانب فراموش شده یک اثر ادبی را مورد بررسی قرار دهد، نقد روانکاوانه است. «ادبیات، بیرون از حوزه روانکاوی و پژوهش‌های روانکاوانه نیست و نظریه روانکاوی نیز چونان ابزاری از جنسی دیگر برای حلاجی متون ادبی به کار برده نمی‌شود» (پاینده، ۱۳۹۰: ۲۸۴).

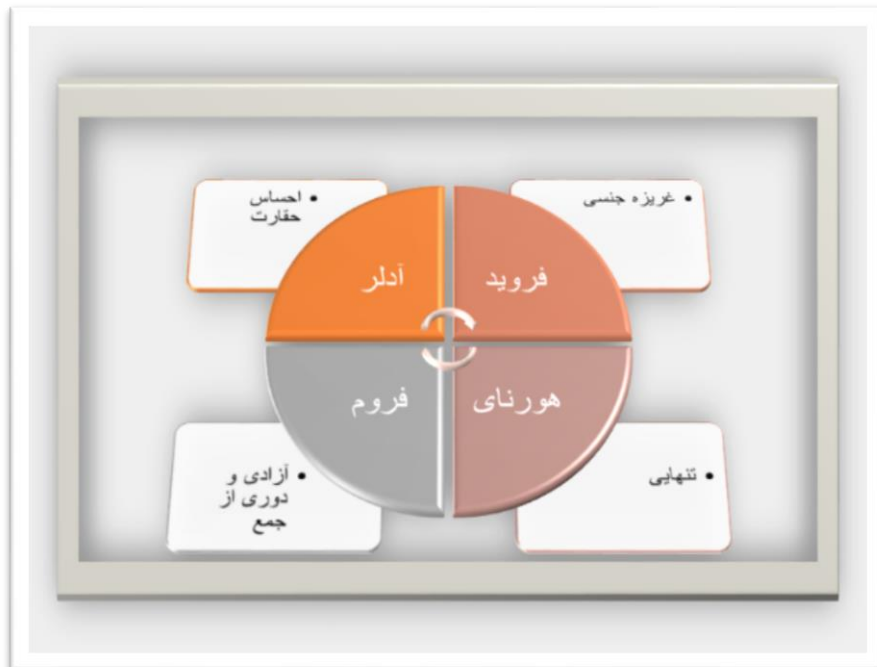
در قرون اولیه هجری نیز ادیبان گذشته ما همچون عبدالقاهر جرجانی، ابوهلال عسگری و ابوالحسن جرجانی دیدگاه‌هایی روان‌شناسانه در پیوند با شعر مطرح کردند. به‌عنوان مثال عبدالقاهر جرجانی، درباره تأثیر شعر بر روان، ملاحظات و نظراتی دارد. او مزیت و لطافت متن را با پیچیدگی آن و دور شدن از ارتباطات انسانی مرتبط می‌داند؛ دو چیزی که در روان، انگیزه‌های اشتیاق و رغبت به آن شعر را ایجاد می‌کند (شایگان‌مهر، ۱۳۹۴: ۴۶).

۳-۲. تاکتیک‌های سه‌گانه هورنای

کارن دانلیسن، هورنای، (۱۹۵۲-۱۸۸۵ م) در ابتدا نظریات فروید را پذیرفت اما در ادامه کار همچون اریک فروم و آدلر پیرو نظریه روانکاوی اجتماعی شد که به این گروه نوفرودیان می‌گویند. آن‌ها اگرچه به لحاظ ساختمانی نظریه عمومی فروید را دنبال می‌کنند ولی تغییراتی را در آن ایجاد کردند. «کارن هورنای که خود را «نوفرودی» می‌دانست، اصلاحاتی در نظریه‌های فروید انجام داد؛ از جمله اینکه از سهم عوامل زیستی کاست و بر نقش عوامل اجتماعی افزود» (برزگر، ۱۳۸۹: ۳۸).

توجه عمده هورنای بر روی «اضطراب» است. «به نظر من اضطراب حکم تنه درختی را دارد که ده‌ها شاخ و برگ و مسئله فرعی از آن می‌روید. یکی از انگیزه‌های ایجاد مکتب روانکاوی، درمان اضطراب روان‌رنجور است. اضطراب یک وضعیت عاطفی از ترس، عصبی بودن و نگرانی در مورد تهدید حوادث مرتبط با هوشیاری فیزیولوژیکی است که همراه با بی‌قراری، خستگی، مشکلات در تمرکز و تنش عضلانی است» (Mekonnen, 2020: 3).

اضطراب اساسی^۱ قبل از هورنای در نظریه روان‌شناسان پیشین به کاررفته بود اما با مطرح شدن نظریه آدلر و هورنای، رنگ اجتماعی به خود گرفت. این اضطراب شبیه «احساس حقارت آدلر» است با این تفاوت که نظر دو روان‌شناس در مورد منشأ اضطراب گوناگون است. «آدلر احساس حقارت را نتیجه کوچک بودن کودک نسبت به دیگران می‌داند، درحالی که هورنای به تأثیر دنیای بیرون در ایجاد اضطراب تأکید دارد» (رأس، ۱۳۷۳: ۱۳۰).



نمودار ۱. اضطراب از منظر روانکاوان

افراد به‌طور ناخودآگاه از مکانیزم‌های دفاعی^۱ توسعه‌یافته برای حفاظت از خودشان در برابر تغییر و اضطراب استفاده می‌کنند. این سنگرها گاهی اوقات می‌توانند مانعی بر سر راه یک فرد از تطبیق با تغییر باشند (Bovey, 2001: 534). از نظر آدلر اولین واکنش در برابر احساس حقارت، سائق پرخاشگری^۲ است. پس از آن افراد با اعتراض مردانه، برتری‌طلبی و تلاش برای رسیدن به کمال مطلوب و جبران، سعی می‌کنند حقارت^۳ خود را پوشانند. از نظر آدلر یک فرد، سه نوع راه جبران نقص ممکن است در پیش بگیرد: جبران در همان ناحیه، جبران در ناحیه‌ای دیگر، جبران افراطی (برتری‌طلبی). جبران افراطی یا عقده برتری از نظر آدلر یعنی «فرد با سخت‌کوشی نه تنها مشکل خود را حل کند بلکه سعی کند بهتر و بالاتر از دیگران قرار گیرد البته مکانیزم‌های درمانی همیشه این گونه نیستند بلکه گاهی با

-
1. Defense Mechanisms
 2. Aggression
 3. Inferiority

توسل به دروغ یا با استفاده از موارد مخدر قصد جبران دارند» (ناصحی، ۱۳۸۶: ۵۸).

از نظر هورنای، هر شخص مضطربی ابتدا برای فرار از هیجان و تسکین اضطراب، از وسایلی همچون «بیگانگی از خویش»، «تعکس»، «کنترل اتوماتیک»، «مشبک ساختن ذهن»^۱ و «حل کردن مسائل با عقل و هوش بهره می‌گیرد.

قبل از هورنای، آدلر و پس از او فروم هریک در تبیین تیپ‌های شخصیتی نظریات خاصی مطرح کرده‌اند. از نظر آدلر سه عامل اصلی رفتار انسان عبارت‌اند از: ۱- تلاش برای برتری؛ ۲- علاقه اجتماعی؛ ۳- درجات فعالیت (لاندرین، ۱۳۷۸: ۲۸۶). از نظر هورنای شخص مضطرب برای مقابله با اضطراب سه راهکار در پیش رو^۲ دارد که با اتخاذ هر کدام از آن موارد می‌تواند بر مشکلات فائق آید: حرکت به سوی مردم؛ حرکت به دور از مردم؛ حرکت علیه مردم. البته کودک برای درمان بودن از سر اذیت و آزار و خشونت اطرافیان منحصراً به یکی از این سه طریق پناه نمی‌برد. بلکه از هر سه آن‌ها توأمأ استفاده می‌کند. منتهی از بعضی صریح و بعضی به صورت غیرمستقیم استفاده می‌کند و بنابر موقعیت‌های مختلف از هر سه راه یادشده کمک می‌گیرد که این خود باعث تضاد اساسی می‌شود (بهنام‌فر، ۱۳۹۳: ۱۷۷).

۳-۳. خودواقعی، فعلی و ایده‌آلی

ابتدا فروید با مطرح کردن ساختار شخصیت بر اساس سه اصل نهاد، خود و فراخود به تبیین اهمیت این ساختار در وجود انسان پرداخته است. از نظر فروید، نهاد بخشی از شخصیت است که با انسان زاده می‌شود و برگرفته از غرایزی است که زندگی انسان را ممکن می‌سازد. در مقابل نهاد، خود، جنبه واقعی می‌یابد.

«نهاد در سطح ناهشیار عمل می‌کند. ابتدایی بوده و در هر فرصتی به دنبال لذت آنی و رهایی فوری از هرگونه تنش است که از نظر فروید این عملکرد اصل لذت نام دارد»

1. Compartmentalization

۲. بر طبق این نظر همه تیپ‌های مضطرب سلطه‌گر، گیرنده و اجتناب‌کننده که در نظریه هورنای به ترتیب برتری‌طلب، مهرطلب و انزواطلب هستند، دارای علاقه اجتماعی کم بوده در حالی که فرد سودمند اجتماع علاقه اجتماعی زیاد دارد. تلاش برای قدرتمند بودن به عنوان جبرانی برای احساس ضعف و حقارت است (لاندرین، ۱۳۷۸: ۲۸۴).

(رأس، ۱۳۷۳: ۹۵). از نظر فروید «خود» بر اساس واقعیت عمل می‌کند و در سه سطح هشیار، نیمه هشیار و ناهشیار است و «فراخود» در حقیقت داور و قاضی رفتارهایمان است. فراخود دسترسی به دنیای بیرون ندارد و خود ایده آل در واقع مرکز قضاوت‌کننده در درون خود است. باید‌ها، نبایدها و اجبارها از گنجینه لغات فراخود است (همان: ۹۸).
کارن هورنای نیز معتقد به سه «خود» در تبیین شخصیت افراد است: «خود فعلی» در نظریه کارن هورنای، موقعیت کنونی فرد است. ناراحتی‌ها و عذاب‌هایی که شخص از خانواده و اجتماع متحمل می‌شود ضربه‌ای بر پیکر خود فعلی است. «خود فعلی یا عملی یعنی آن شخصیتی که فرد تحت تأثیر تضادها و اضطراب ناشی از آن در حال حاضر دارد» (یحیی‌آبادی، ۱۳۸۱: ۳۸).

۳-۴. غرور و باید‌های عصبی

شخص عصبی، ناآگاهانه انتظار دارد در هر زمینه‌ای برای او یک امتیاز و استثنا خاصی قائل شوند. اعتماد به نفس^۱ و غرور عصبی^۲ ظاهراً شبیه هم هستند. اولی بر اساس صفات و شایستگی‌ها و استعداد‌های واقعی است در حالی که دومی اصولاً تخیلی و بی‌اساس است. تصوراتی که شخص از خود دارد و شایستگی‌هایی که از آن خود می‌داند و فاقد آن‌هاست، همان غرورهای عصبی است.

شخص برای تحقق بخشیدن به خود ایده‌آلی از خودش، دیگران، طبیعت و جامعه توقعات و انتظارات افراطی و عصبی پیدا می‌کند. امر «باید» در تمامی افراد وجود دارد با این تفاوت که در شخص طبیعی عامل و محرک «خود واقعی و اصلی» است در حالی که در شخص عصبی عامل «خود ایده‌آلی» است.

1. Seif Confidence

2. Nrvous Pride

۴. خود فعلی و ایده‌آلی^۱ شخصیت فرامرز در رمان درخت انجیر معابد

۴-۱. نمود خود فعلی در رمان درخت انجیر معابد

رمان درخت انجیر معابد با توصیف دوران نوجوانی فرامرز و درگیر شدن او با اضطراب‌های فراوان به مدت بیست سال همراه است. نمود خود فعلی این شخصیت را می‌توان با گرفتاری او در اسارت دو دسته اضطراب بیان کرد. دوره‌ای که در ابتدا با رفاه و خانواده و خانه مناسب همراه بود ولی با روی دادن اتفاقاتی به زمین خورد و راه اشتباهی برای پیشرفت انتخاب کرد که بر مشکلاتش افزوده شد.

۴-۱-۱. مشکلات خانوادگی

- از هم‌پاشیده شدن خانواده

یکی از عوامل اضطراب‌آور در نظر هورنای دچار شدن کودک به اضطراب اساسی است. «او این مفهوم را به‌عنوان احساس تنها ماندن و بی‌پناه بودن کودک در جهانی خصمانه تعریف کرده است» (رأس، ۱۳۷۳: ۱۳۰).

تمایل به ایمنی که یک اضطراب اساسی آن را مشروط می‌سازد در ساختمان شخصیت نقش بسیار مهمی دارد. این اضطراب به احساس خصومت واپس شده ظاهر می‌گردد که به‌نوبه خود در اثر تجارب دوره کودکی مبنی بر طرد شدن و مورد تنقید قرار گرفتن ایجاد می‌شود (بلوم، ۱۳۶۳: ۲۱۰).

در رمان، نقطه شروع این اضطراب‌ها را می‌توان فوت پدر دانست که باعث ایجاد بحران و نقص در زندگی فرامرز می‌شود. آه پدر با این روزگار غدار تنهام گذاشتی. ای دنیای دون از این تنهایی (محمود، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۲۱). «از روز اول قسمت ما این بود که چند سال زیر سایه پدر و مادر در ناز و نعمت و نوازش زندگی کنیم و تا چشم باز کنیم و بفهمیم کی هستیم و چی هستیم ناغافل ستون و خیمه و خرگاهمان بشکند» (همان، ج ۱: ۱۹۹).

از دست دادن تدریجی اعضای خانواده: فوت اسفندیار، خودکشی فرزانه، از دست

دادن مادر و روانه شدن کیوان به خارج، ضربه‌ای طاقت‌فرسا بر زندگی فرامرز بود. شخص عصبی ممکن است برای فرار از اضطراب از تاکتیک اجتناب استفاده کند. به تعویق انداختن کارها، نرفتن به دندانپزشکی، طفره رفتن از یک ملاقات، همه طرق مختلف اجتناب هستند. اصولاً احساسات در سلامت و روان و جسم انسان نقش مهمی دارد. تحریک‌پذیری، آسیب‌پذیری، از خودبیگانگی، انکار کردن واقعیت، بدبینی، حسادت، منفی فکر کردن، مستحیل کردن شخصیت در مواد مخدر یا کارهای غیرسالم از اثرات واضح تنش‌های عصبی است (یحیی‌آبادی، ۱۳۸۱: ۲۳۳).

-بازماندن از تحصیل

یکی از عوامل ایجاد اضطراب توجه بیش‌ازحد به فرزندان است. کودکان ناز پرورده، کانون توجه خانواده هستند. هر درخواست یا نیاز آن‌ها برآورده می‌شود و چیزی از آن‌ها دریغ نمی‌شود. این کودکان تحت چنین شرایطی، فکر می‌کنند مهم هستند و دیگران باید همیشه تسلیم آن‌ها شوند. آن‌ها هرگز یاد نگرفته‌اند برای چیزی که می‌خواهند صبر کنند و یاد نگرفته‌اند بر مشکلات غلبه کنند یا با نیازهای دیگران سازگار شوند. فرامرز با وجود علاقه به درس در این کار به نتیجه نمی‌رسد زیرا تلاشی در این باره ندارد و هر بار هم قصد می‌کند دوباره از نو شروع کند، موفق نمی‌شود: من همیشه تو زندگی همین‌طور بوده‌ام همیشه خوب ول کرده‌ام بد گرفته‌ام. (همان، ج ۱: ۳۶۶).

-تحقیر و شکست عشقی

شخص عصبی مانند جسمی زخم خورده است که با کوچک‌ترین تلنگر بر درد و رنجش افزوده می‌گردد. با بی‌پاسخ ماندن خواسته‌هایش خود را مطرود می‌داند. با ضعیف شدن روحیه شخص در مواجهه با خشونت اطرافیان، به تدریج در رابطه با دیگران نیز قدرت خود را از دست می‌دهد. «در مقابل ناملايمات اجتماع تبدیل به موجودی ناتوان، حقیر، حساس و زودرنج و آسیب‌پذیر می‌گردد؛ احساس می‌کند موجودی است مطرود، ناخواستنی،

بی کس و بی پناه» (هورنای، ۱۳۶۵: ۹۱).

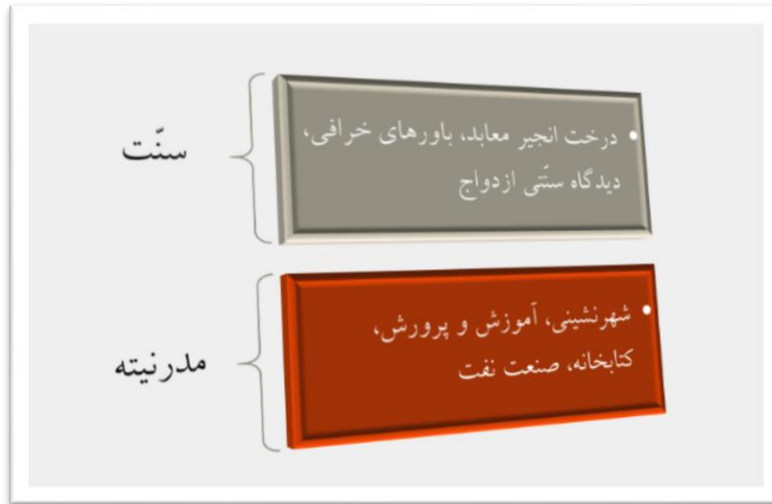
فرامرز قصد ازدواج با دختری به نام نازک را داشت؛ اما علیرغم تلاش‌های خودش و فرزانه این امر میسر نشد. «باب رفت و آمد خانوادگی را با خانواده نازک باز می‌کند، گردش‌های دسته‌جمعی خانواده‌ها در روزهای خوش بهار، دعوت فرامرز و فرزانه از نازک، شیدا و گردش و خنده و شوخی در باغچه و انداختن سفره نهار کنار جوی آب و همه این‌ها آشفته و درهم خیلی زود می‌گذرد تا جایی که نفهمید چه وقت و چگونه خانواده نازک به شهر دیگر منتقل شد و حسرت نامزدی و ازدواج با نازک در دلش پینه بست» (محمود، ۱۳۷۹: ۳۰۷).

توقعات شخص عصبی از نظر هورنای عنادآمیز است و اساس واقعی ندارد. اگر توقعاتش برآورده نشود احساس شکست خوردگی و بی‌ارزشی می‌کند. منشأ این توقعات، احتیاجات عصبی درونی اوست. مثلاً انتظار دارد فلان شخص عشق او را قبول کند و ملتفت نیست که آن شخص ممکن است اصولاً توان و استعداد مهرورزی نداشته باشد (یحیی-آبادی، ۱۳۸۱: ۴۳).

۴-۱-۲. مشکلات اجتماعی

-دام خرافات و جهل مردم

در این رمان اعتقاد به معجزات درخت، باورهای خرافی مردم و پرداختن به مسائل سنتی ازدواج از مظاهر سنت‌گرایی بوده و از سوی دیگر موضوعات آزادی زنان، تجرد، آموزش و پرورش، کتابخانه و دانشگاه، روی آوردن به شهرنشینی و ثروت‌طلبی از طریق نفت از مضامین مدرنیته به شمار می‌آید. درخت که از مظاهر سنت‌ها و باورهای قدیمی است در تضاد یا مدرنیته نقش اساسی تا پایان داستان دارد. وجود پررمزوراز که حکایت‌های غریب از آن نقل شده بود و نذرین‌باز مردم برای آن یکی از اعتقادات خرافی در این رمان است.



نمودار ۲. مظاهر سنت و مدرنیته در رمان

مدرنیته را می‌توان مجموعه منش، تفکر و نوعی طرز تلقی از زندگی تعریف کرد که پس از نهضت عظیم فکری فرهنگی رنسانس در غرب پدید آمده است. پس از قرون وسطی و تسلط همه‌جانبه کلیسا بر جنبه‌های مختلف زندگی در اروپا، به واسطه تألیفات و آثار اندیشمندان و نویسندگان، تحول شگرف و همه‌جانبه‌ای در عرصه‌های مختلف ذهن و زندگی مردم اروپا پدید آمد و مفاهیمی جدید و تازه شکل گرفت که تا قبل از آن وجود نداشت. مفاهیمی مثل: تغییر و دگرذیسی، تعقل‌گرایی، دموکراسی، آزادی و برابری و انسان-گرایی (مناجاتی، ۱۳۹۸: ۴۳).

شخصیت اصلی رمان نه تنها با خرافه‌پرستی مردم بلکه با جهالت آنان مخالف است. یکی از این خرافات نذر و دل بستن مردم به وجود درختی است که حوادث داستان حول آن محور است: فرامرز برخلاف پدر، عمه تاجی و کسانی که به درخت انجیر معابد اعتقادی داشتند، آن را خرافه‌ای بیش نمی‌دانست و منتظر فرصت بود تا نیرنگ فریب‌دهندگان مردم را به خودشان برگرداند. خرافه تا حدّ زیادی تابع محیط جغرافیایی یا اقلیمی مناطق زیست انسانی است و پیدایش آن نیز ناشی از کیفیت بینش آدمی نسبت به مسائل حیات و رویدادهای متنوع آن‌هاست (شریلو، ۱۳۹۵: ۸).

-اجحاف قدرت طلبان

در نظریه هورنای، تیپ برتری طلب علت فاصله موجود بین خود ایده آلی و خود فعلی اش را ظلم و اجحاف دیگران می‌داند. شاید مهم‌ترین دلیلی که رمان را قادر ساخته است تا واقعیات زندگی انسان را به خوبی بازتاب داده و از عهده انعکاس عادات و حالتش برآید، این باشد که رمان از نظر شکل و محتوا نسبت به بقیه هنرها، شاید به جز سینما، به طور مستقیم‌تری از پدیده‌های اجتماعی مایه می‌گیرد (مصلحی، ۱۳۹۶: ۲۵۳).

شخصیت اصلی در بخش‌های گوناگون رمان به ناروایی‌های اجتماعی که زمینه به وجود آمدن فقر و تبعیض در اجتماع شده است معترض است. با فوت اسفندیار، مهران، وکیل مدافع او، با افسانه ازدواج می‌کند. بیشترین نقشه‌های انتقامی فرامرز مربوط به مهران است که حالا نقش ناپدیری او را به عهده دارد. او برای مبارزه با مهران حتی اولین بار با اسلحه به سمت مادرش و مهران شلیک می‌کند و مدتی را در زندان به سر می‌برد. سودجویی مهران و فریبکاری او را با صدای بلند اعلام می‌دارد: «مهران شهرکی بزرگ قاتل‌اق داران دنیاس، آلکاپون پیشش جوجه‌ی روزه‌س» (محمود، ۱/۱۳۷۹: ۲۱۶).

۴-۲. نمود خود ایده‌آلی در شخصیت فرامرز

شخصی که به علت اجبار و تحقیر و اضطراب به سمت تاکتیک‌های برتری‌طلبی، مهرطلبی و انزوای طلبی گرایش پیدا می‌کند در واقع از خود واقعی‌اش فاصله گرفته و با غرورها و توقعات نادرست سعی در نزدیک شدن به خود ایده‌آلی دارد. «این امر مسیر زندگی و هدفش را به کلی تغییر می‌دهد و او را در یک خط منفی و مضر به حرکت و تلاش وامی‌دارد» (هورنای، ۱۳۶۵: ۱۹). شخص عصبی در رویارویی با اضطراب سعی می‌کند به خود ایده‌آلی نزدیک شود بدین منظور با سه اصل غرورها، توقعات و بایدهای عصبی به این جایگاه خود را نزدیک می‌گرداند.

فرامرز در این رمان نماینده برتری‌طلبی است هرچند او همچون هر جوان دیگر غوطه‌ور در آرزوهاست ولی با درگیری‌های ذهنی که مرتباً با آن روبروست عملاً از رسیدن به خواسته‌هایش بازمی‌ماند و با روی آوردن به خود ایده‌آلی قصد جبران مافات را

دارد. فرامرز در خانواده‌ای تحصیل کرده و با فرهنگ رشد کرده است، ولی رفتارهایی چون: دزدی، کلاهبرداری، کلاشی، عوام‌فریبی و قتل از رفتارهای دوگانه و متناقض فرامرز است. او بیش از آن که یک قهرمان باشد، یک ضد قهرمان است؛ اما شکفت این که در ساحتی دیگر و برای مخاطبانی دیگر قهرمانی صاحب کرامت و بصیرت است مرد سبز چشم. (نوروزی، ۱۳۹۳: ۴۴۰).

۴-۲-۱. غرورهای عصبی

غرورهای عصبی یعنی صفات و شایستگی‌هایی که شخص در تصورش فکر می‌کند دارد، اما حقیقتاً فاقد آن‌هاست. چیزهایی که شخص عصبی نسبت به آن‌ها غرور دارد عبارت است از: عقل و هوش، استعداد، امتیازات منحصر به فرد مثل شکست‌ناپذیر بودن، بخشنده بودن، مرد خدا بودن، مریض نشدن و آسیب‌پذیر نبودن (یحیی‌آبادی، ۱۳۸۱: ۴۹).

هورنای معتقد است: «برای اینکه بینیم عطش قدرت، پرستیژ و ثروت چه وقت ماهیت عصبی دارد و چه وقت ماهیت سالم، باید عوامل فرهنگی و سنت‌های اجتماعی را هم در نظر بگیریم، زیرا عطش کسب این امتیازات ممکن است به حکم سنت اجتماعی باشد، نه به خاطر ضعف روحی شخص. هرگاه قدرت‌طلبی و نظایر این‌ها وسیله‌ای برای پوشاندن یا جبران احساس حقارت باشند عصبی است» (هورنای، ۱۳۶۵: ۱۷۵). از جمله مصادیق غرورهای عصبی در رمان به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

-تظاهر به استعداد و هوش

شخص عصبی برای سرکوب کردن اضطراب‌ها به دنبال کسب عظمت بوده و نتیجه آن انتقام گرفتن از شرایط نامناسب زندگی شخص است. یکی از وسایلی که اشخاص مضطرب در پیش می‌گیرند پرستیژطلبی یا حیثیت‌طلبی است. «کسی که برای جبران احساس بی‌ارزشی و ناچیزی خود به تاکتیک «پرستیژطلبی» متوسل می‌شود، سخت محتاج تحسین و تمجید و جلب توجه دیگران می‌شود» (هورنای، ۱۳۶۵: ۱۸۴).

-فرامرز در ماجرای فیصله دادن به مجادله مردم، خود را این‌گونه معرفی می‌کند:

«من و کیل پایه یک دادگستری ام. چکار به سن و سالم داری علمم نگاه کن» (محمود، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۲۱). پس از شکست در تحصیل مدتی بعد تظاهر به شغل پزشکی می کند: «دکتر منوچهر آذرشناس، متخصص بیماری‌های داخلی از دانشگاه آکسفورد و عضو آکادمی تحقیقاتی بریتیش رویال کالج لندن و عضو کنفرانس بین‌المللی پژوهش و تحقیق مستقل آینده» (همان، ج ۱: ۴۴۴).

غرورها که در کارگاه خود ایده‌الی ساخته می شوند محرک و انرژی شخص برای کسب جلال و عظمت می گردند. حال اگر این غرورها به وسیله خودش یا شخص دیگری جریحه دار شوند، نسبت به خود و یا آن شخص عناد و کینه پیدا می کند و میل انتقام منجر به ایجاد غروهای جدید می گردد» (یحیی آبادی، ۱۳۸۱: ۵۶).

-انتقام^۱

در تیپ برتری طلب به قدری عطش انتقام گیری شدید است که تمامی جوانب زندگی اش را در برمی گیرد با این وجود بعضی مسائل از جمله ترس و منافع شخصی و دوستی دیگران مانع بروز این انتقام شدید می شود. انتقام گرفتن یکی از روش‌های شخص عصبی برای جبران غروهای شکسته اش است.

فرامرز از ابتدا تا بخش پایانی داستان قصد انتقام دارد: اول از مهران شهرکی که با ازدواج با مادرش و مصادره اموال پدر همیشه مورد خشم خانواده آذریاد بوده است؛ سپس از علمداران همان متولیان درخت که نسل اندر نسل با دروغ و تزویر سعی در به دست آوردن موقعیت داشته اند: «علمدار عجب بساطی راه انداخته، عقل آدم حیرون میشه» (محمود، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۸۵). «کاش پول میدادین به من عمه تاجی! من از این علمدار حقه باز بیشتر احتیاج دارم» (همان، ج ۱: ۳۳۹)

حسن انتقام، سردرگمی، مشکلات و معضلاتی که گریبانگیر اوست، در نهایت او را وادار به آتش سوزی در شهرک و سوختن درخت می کند. خواننده با شناختی که از فرامرز به دست می آورد، می داند که او تردیدی در بی حاصلی درخت ندارد، اما رفتارهایش به

خواننده کمک می‌کند تا نسبت به درخت و تقدس آن شک کند و این سؤال در ذهن خواننده شکل بگیرد آیا: آنچه در مورد درخت گفته می‌شود، حقیقت دارد یا بافته خیال مردم است؟ در بخشی از رمان، فرامرز با رفتارهای حقّه‌بازانه‌اش باعث اتفاقات شگرف می‌شود مرد سبز چشم رمان درخت انجیر معابد، رهبری فرزانه نیست، اما نقش یک رهبر فرزانه را بازی می‌کند، او جامعه جدید و ذهنیت سنتی را به بازی می‌گیرد (نوروزی و هاشمی، ۱۳۹۳: ۴۳۴).

– مستجاب‌الدعوه بودن

شخص عصبی ظاهراً خود را تابع مذهب می‌داند ولی در واقع کارهایش اخلاقی نیست. «ممکن است خودش را مذهبی بداند و واجبات دین را هم حتی بیش از حد و افراطی انجام دهد؛ اما کارهای غیر اخلاقی و غیرقانونی هم از او سر بزند» (یحیی آبادی، ۱۳۸۱: ۴۹).

– گروه کثیری از مریدان چشم‌سبز چماق برداشته‌اند و هرکس را که سر راهشان آمده کوبیده‌اند. مجسمه مهرا را طناب انداخته‌اند و صدها نفر هم آهنگ با فریاد هی پالا مجسمه را کشیده‌اند» (محمود، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۰۳۱).

خود ایده‌آلی باعث می‌شود تا تصویر کاذبی از شخصیت برای انسان حاصل شود. برای کسانی که در شهرک مهرا هستند او یک رهبر فرزانه است و یک احیاگر و ناجی و برای ما او یک متظاهر و بیمار (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۶۹).

۴-۲-۲. بایدهای^۱ عصبی

تفاوت بایدهای عصبی با بایدهای اخلاقی این است که بایدهای اخلاقی ناشی از اضطراب نیست بلکه منطقی و پسندیده است و برای انجام امری اخلاقی به کار گرفته می‌شود. درحالی‌که بایدهای عصبی تحت تأثیر اضطراب ایجاد می‌شود و در واقع ریشه‌ای غیرمنطقی دارد. شخص عصبی برای رسیدن به خود ایده‌آلی از همه از جمله خودش و دیگران توقع و انتظار دارد و این انتظارات برای او به یک «باید» تبدیل می‌شود. «بایدها» محرک و موتور

ماشین خود ایده آلی هستند. تمایلات بایدها اصالت نداشته و خودخواهانه است، ممکن است خلاف اصول اخلاقی هم باشند (یحیی آبادی، ۱۳۸۱: ۴۶).

- فریبکاری و دروغ

یکی از راه‌های جبران احساس حقارت گرایش به ثروت‌طلبی است. «در اجتماعات امروز ثروت، هم دلیل قدرتمندی است و هم دلیل باارزش بودن» (هورنای، ۱۳۶۵: ۱۸۶). از نظر هورنای تمایل به ثروت یک نوع عارضه اجتماعی و یکی از مظاهر عصبیت است و او با بررسی بیمارانش به این نتیجه رسید که بعضی‌ها با فروکش شدن حالت‌های عصبی‌شان از عطش به ثروتشان نیز کاسته می‌شود.

با توجه به سه تاکتیک دفاعی شخص در برابر اضطراب، بایدهای گوناگون ایجاد می‌گردد. «حتی در بعضی موارد «بایدها» دستوراتی می‌دهند که مخالف اصول اخلاقی است. مثلاً یکی از بایدهای تیپ برتری طلب این است که تو همیشه باید سر دیگران کلاه بگذاری، باید به سادگی خدعه و تزویر کنی، باید در هر رقابتی دیگران را شکست دهی» (هورنای، ۱۳۷۳: ۶۳). فرامرز برای تظاهر به چهره جدید خود یعنی دکتر آذرباد به گفته راوی، این‌گونه مقدمات کار را آماده می‌کند:

«می‌رود فروشگاه سلیم و لاستیک‌ها را می‌فروشد نقد با سی و پنج درصد تخفیف. دستگاه فشارخون، گوشی و حرارت‌سنج می‌خرد» (محمود، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۰۹). دزدی، رشوه گرفتن و فریب دیگران در منطق فرامرز عدالت به حساب می‌آید و او برای رساندن حقّ مظلومان این کارها را ناشایست نمی‌داند. «معتقدم در دنیای امروز دزدی اجرای عدالت است» (همان، ج ۱: ۲۴۲).

وقتی فاصله میان دو «خود» یعنی «خود تصویری» و «خود واقعی» زیاد باشد. شخص عصبی، همه‌ی قدرت و انرژی خود را باید برای پر کردن این فاصله صرف کند و تلاش دائمی به کار می‌برد تا خود را به کمال برساند، در این حالت که بیش از هر چیز کلمه «باید» را تکرار می‌کند. من باید شجاع باشم، من باید فلان باشم. باعث می‌شوند که فرد ضعف‌ها و نقایص خود را آن‌طور که هستند، نبیند:

او با عنوان بازرس بهداشت اقدام به رشوه گرفتن می‌کند و آن را خلاف هم نمی‌داند: «تو با این کارت حقّ حساب نمی‌گیری؟ نه همیشه و نه از همه کس. حقّ حساب، حقّ حساب چه از زید چه از عمرو. گوشت رو باید از گاو پروار بربید نه از جوجه یک‌روزه» (همان، ج ۱: ۲۸۷).

-اعتیاد

استعمال درازمدت مواد مخدر معمولاً عادت‌ی است که به گرفتاری ثانوی افسردگی‌ها و روان‌پریشی‌های منشی کسب می‌شود. ابتدا ممکن است این امر برای تسکین درد باشد ولی هنگامی که به صورت اعتیاد در آمد انگیزه آن تغییر می‌کند و هدفش تسکین آشفستگی درونی می‌شود (الکساندر، ۱۳۷۷: ۱۷۱).

در رمان درخت انجیر معابد، زندان نقطه‌ی عطفی در سقوط و انحراف فرامرز است. برای او که جوانی نازپرورده و سختی نکشیده است تحمل زندان بسیار دشوار و غیرممکن است به همین دلیل برای فراموشی رنج زندان به تریاک پناه می‌برد و احتمالاً با دسیسه‌ای به دقت طراحی شده از طرف مهران گرفتار اعتیادی سیاه و تباه گرداننده می‌شود که برای همیشه او را به خود آلوده می‌سازد و از درون پوک و پوسیده‌اش می‌کند.

از نظر هورنای، یکی از راه‌های کنار آمدن با اضطراب، تخدیر آن است. «بعضی افراد عصبی برای این که نیش اضطراب را در خود حس نکنند، به الکل و مواد مخدر پناه می‌برند» (هورنای، ۱۳۶۵: ۴۸).

وضعیت روانی فرد، عامل مهمی در روی آوردن به اعتیاد است. محرومیت‌ها و ناکامی‌ها، فشارهای روانی ایجاد شده و همین‌طور عقده‌های سرکوب شده، می‌تواند فرد را به دنبال پناهگاهی برای تسکین آلام خود بکشاند. امروزه ارتباط میان برخی بیماری‌های روانی و اعتیاد مشخص شده است. به‌طور مثال فردی که از بیماری افسردگی شدید رنج می‌برد یا شخصی که رفتار ضداجتماعی دارد، در معرض خطر اعتیاد است (اسعدی، ۱۳۹۴: ۱۱).

فرامرز در این رمان با دسیسه مهران گرفتار دام اعتیاد می‌شود و هرچند به این امر

آگاهی دارد به دلیل درگیر بودن با اضطراب‌های فراوان تلاشی برای نجات خود ندارد و هزینه اعتیاد را با یاری عمه تاجی تأمین می‌کند. هر بار با وعده‌های واهی همچون شرکت در کنکور، ادامه تحصیل و ...، عمه را به پرداخت هزینه‌هایش وادار می‌کند. شخص عصبی به طرق مختلف احساسات خود را تخدیر می‌کند. به‌ظاهر از کار می‌اندازد تا اضطراب خود را تسکین دهد. الکل، مواد مخدر، خواب، کار زیاد، زیاده‌روی در امور، طریقه‌های مختلف تخدیر اضطراب هستند (یحیی آبادی، ۱۳۸۱: ۸۳).

بحث و نتیجه‌گیری


«درخت انجیر معابد» آخرین رمان احمد محمود است که به سبک رئال اجتماعی بوده و نویسنده با بیان ذهنیات اشخاص به رمان‌های روانکاوانه نزدیک گردیده است. از آنجا که شخصیت‌ها در این اثر تحت تأثیر اجتماع دچار اضطراب و نگرانی می‌شوند، می‌توان ویژگی‌های آنان را با نظریه روانکاوی اجتماعی هورنای مورد بررسی قرار داد. از منظر روانکاوانه «خود فعلی» و «ایده آلی» دو مقوله ایست که در واکاوی رفتار شخصیت اصلی داستان یعنی فرامرز مورد توجه قرار می‌گیرد. در پی پاسخ دادن به این سؤال پژوهش که شخصیت اصلی رمان با چه اضطراب‌هایی مواجه بوده است؟ می‌توان دو گروه اضطراب اساسی ناشی از مشکلات خانوادگی و اجتماعی را مورد توجه قرار داد. مصادیق نمود «خود فعلی» در شخصیت اصلی رمان درگیری با اضطراب‌های فردی همچون از هم پاشیده شدن خانواده، از دست دادن پدر، ازدواج مجدد مادر، خودکشی خواهر، عزیمت برادر به خارج و شکست عشقی و اضطراب‌های اجتماعی از جمله اعتقادات خرافی، اجحاف برتری طلبان و فقر و بیکاری است. مکانیزم‌های دفاعی که شخصیت اصلی از آن برای مبارزه با اضطراب‌ها بهره می‌گیرد روی آوردن به برتری طلبی است. وی سعی دارد بر اضطراب‌ها و تعارض‌های درونی خود فائق آید و در نهایت با دور شدن از «خود واقعی» هرچه بیشتر از شخصیت اصلی‌اش فاصله می‌گیرد. «خود ایده آلی» در شخصیت فرامرز با اسارت او در دام غرورهای عصبی همچون: تظاهر به استعداد و هوش، مستجاب‌الدعوه بودن و انتقام و بایدهای عصبی همانند: فریبکاری، دروغ و اعتیاد پدیدار می‌گردد.

تعارض منافع


تعارض منافع ندارم.

Orcid


Azar Akbarzadeh

 <http://orcid.org/0000-0002-3096-3583>


Fatemeh Koupa

 <http://orcid.org/0000-0002-9501-4637>

Narges Mohammadi

 <http://orcid.org/0000-0001-9182-7895>

Pedram Mirzaei

 <http://orcid.org/0000-0002-6044-6624>

منابع

- اسعدی فیروزآبادی، مریم‌السادات و طحانی، احمد. (۱۳۹۴)، بررسی جامعه‌شناختی رمان پریچهر. *دوفصلنامه تخصصی مطالعات داستانی*، ۳(۳)، ۷-۲۲.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۹). نظریه هورنای و روان‌شناسی سیاسی ناصرالدین‌شاه؛ از کودکی تا عزل نوری. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۶(۱)، ۳۵-۷۳.
- بلوم، جرالده اس. (۱۳۶۳). *نظریه‌های روانکاوی شخصیت*. ترجمه هوشنگ حق‌نویس. تهران: چاپخانه سپهر.
- بهنام‌فر، محمد و طلایی، زینب. (۱۳۹۳). نقد روان‌شناختی شخصیت در رمان سالمرگی بر مبنای نظریه کارن هورنای. *متن‌پژوهی ادبی*، ۱۸(۶۲)، ۱۷۶-۱۹۳.
- پاینده، حسین. (۱۳۹۰). *گفتمان نقد: مقالاتی در نقد ادبی*. تهران: انتشارات نیلوفر.
- توکلی‌مقدم، صفیه، کوپا، فاطمه، گرجی، مصطفی و درودگریان، فرهاد. (۱۳۹۴). *شگردهای طنزپردازی در رمان مدار صفر درجه احمد محمود. فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی*، ۲(۳)، ۵-۲۰.
- رأس، ا. آلن. (۱۳۷۳). *روان‌شناسی شخصیت*. ترجمه سیاوش جمالفر. تهران: انتشارات بعثت.
- سلیمانی، بلقیس. (۱۳۸۰). این یک درخت نیست. کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ۴۹(۲)، ۶۷-۶۹.
- شایگان‌مهر، محمد. (۱۳۹۴). بررسی نقد روان‌شناختی عبدالقاهر جرجانی (با تکیه بر کتاب

- اسرارالبلاغه). پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت. ۳(۱)، ۴۳-۶۱.
- شریلو، ملیحه و فرزاد، عبدالحسین. (۱۳۹۵). عناصر فرهنگ و کنش‌های عامیانه در داستان- نویسان زن معاصر. نشریه زنان در فرهنگ و هنر، ۸(۱)، ۱-۲۲.
- الکساندر، فرانتس گابریل. (۱۳۷۷). مبانی روانکاوی. مترجم فرید جواهر کلام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- لاندرین، رابرت. (۱۳۷۸). نظریه‌ها و نظام‌های روان‌شناسی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ویرایش.
- محمود، احمد. (۱۳۷۹). درخت انجیر معابد. جلد ۱-۲. تهران: انتشارات معین.
- مصلحی، صفورا، کازرونی، سید احمد و اردلانی، شمس‌الحاجیه. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل مضامین اجتماعی در رمان‌های ایرانی از ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ شمسی. فصلنامه بهار ادب، ۱۰(۳)، ۲۵۱-۲۶۴.
- مناجاتی، علیرضا، کازرونی، سید احمد و اردلانی، شمس‌الحاجیه. (۱۳۹۸). تحلیل عناصر مدرنیته در رمان کلیدر محمود دولت‌آبادی. فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی دهخدا، ۱۲(۴۳)، ۴۱-۶۰.
- ناصری، عباسعلی و رئیسی، فیروزه. (۱۳۸۶)، مروری بر نظریات آدلر. فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۳۳(۳)، ۵۵-۶۶.
- نوروزی، زینب و هاشمی، محدثه. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی جلوه‌های ادبیات شگرف در دو رمان درخت انجیر معابد و کواپیس بیروت. نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهیدباهنر کرمان، ۶(۱۱)، ۴۲۴-۴۴۵.
- هورنای، کارن. (۱۳۶۵). شخصیت عصبی زمان ما. ترجمه محمدجعفر مصفا. تهران: نشر گفتار.
- _____ (۱۳۷۳). عصیت و رشد آدمی. ترجمه محمدجعفر مصفا. تهران: انتشارات بهجت.
- یحیی‌آبادی، هوشنگ. (۱۳۸۱). درون من طلاست. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.

References

- Alexander, Franz Gabriel. (1999). *Basics of Psychoanalysis*. Translated by Farid Javaherkalam. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]
- Asaadi Firouzabadi, M. Al-Sadat., Tahani, A. (2014). Sociological Study of the Novel Parichahr. *Bi-quarterly Journal Specialized in Fiction Studies*, 3(3), 7-22. [In Persian]
- Barzegar, E. (2009). Hornai's Theory and Naseruddin Shah's Political Psychology; From childhood to Azal Nouri. *Political Science Journal*, 6(1), 35-73. [In Persian]
- Behnam Far, M. and Talai, Z. (2013). Psychological Criticism of the Character in the Novel Salmargi based on Karen Horne's theory. *Literary Text Research*, 18(62), 176-193. [In Persian]
- Bloom, Gerald S. (1985). *Psychoanalytic Theories of Personality*. Translated by Hoshang Haq-Navis. Tehran: Sepehr Printing House. [In Persian]
- _____. (1985). *The Nervous Personality of Our Time*. Translated by Mohammad Jaafar Mosfa. Tehran: Goftar Publishing House. [In Persian]
- Hornai, K. (1373). *Nervousness and Human Growth*. Translated by Mohammad Jafar Mosfa. Tehran: Behjat Publications. [In Persian]
- Landin, R. (2000). *Theories and Systems of Psychology*. Translated by Yahya Seyed Mohammadi. Tehran: Publishing House. [In Persian]
- Tavakoli Moghaddam, S., Koupa, F., Gorji, F., Dorodgarian, F. (2014). The Methods of Satire in the Novel Zero Degree Circuit. Ahmad Mahmoud. *Specialized Quarterly Journal of Fiction Studies*, 2(3), 5-20. [In Persian]
- Payandeh, H. (2011). *Discourse of Criticism: Essays in Literary Criticism*. Tehran: Nilofar Publications. [In Persian]
- Ross, O. Alan. (1995). *Personality Psychology*. Translated by Siavash Jamalfar. Tehran: Ba'ath Publications. [In Persian]
- Soleimani, B. (2008). This is not a Tree. *Book of the month of Literature and Philosophy*, 49 consecutive number 2 .67-69 .[In Persian]
- Shaygan-Mehr, M. (2014). Review of the Psychological Criticism of Abdul Qahir Jarjani (based on the book Asrar al-Balagha). *Research Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, 3(1), 43-61. [In Persian]
- Shirilo, M., and Farzad, A. H. (2015). Elements of Culture and folk Actions in Contemporary female fiction Writers. *Women in Culture and Art*, 8(1), 1-22. [In Persian]
- Mahmoud, A. (2001). *The Fig tree of Temples*. Second Volume. Tehran: Moin Publications. [In Persian]

- Mekonnen Abate. Semagn, MSC. (2020). Global Prevalence and Determinants of Preoperative Anxiety among Surgical Patients: A Systematic Review and Meta-analysis. *Journal of Surgery Open*, 3-29.
- Menajati, A., Kazeroni, S. A., Ardalani, Sh. (2018). Analysis of Elements of Modernity in the novel of Klidar Mahmoud Daulatabadi. *Dehkhoda Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature*, 12(43), 41-60. [In Persian]
- Moslehi, S., Kazeroni, S. A., Ardalani, Sh. (2016), Review and analysis of Social Themes in Iranian novels from 1370 to 1390. *Bahar Adab Quarterly*, 10(3), 251-264. [In Persian]
- Nasehi, A. A. and Raisi, F. (2016). Review of Adler's Theories. *New Cognitive Sciences Quarterly*, (33), 55-66. [In Persian]
- Noroozi, Z., and Hashemi, M. (2013). Comparative Study of the Effects of Extraordinary Literature in two Novels, The Fig Tree of Moabed and Quais Beirut. *Comparative Literature Journal of Shahid Bahaner University*, 6(11), 424-445. [In Persian]
- Wayne H. Bovey. (2001). Resistance to Organisational Change: the role of Defence Mechanism. *Journal of Managerial Psychology*, 16(7), 534-548.
- Yahya Abadi, H. (2003). *Gold is Inside me*. Isfahan: Isfahan University Jihad Publi B- Articles. [In Persian]

استناد به این مقاله: اکبرزاده ابراهیمی، آذر، کوپا، فاطمه، محمدی بدر، نرگس، میرزایی، پدرام. (۱۴۰۲). تحلیل روان‌شناختی «خود فعلی و ایده‌آلی» در رمان «درخت انجیر معابد» احمد محمود از منظر کارن هورنای. متن پژوهی ادبی، ۲۷(۹۵)، ۲۴۱-۲۶۴. doi: 10.22054/LTR.2020.42352.2691



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.